

مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی در چشم‌انداز جهانی شدن با تأکید بر تجربه

ژاپن^۱

علی هوشمندخوی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهزاد حمیدیه

عضو هیأت علمی گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

جوامع امروزی خواه ناخواه در معرض شرایطی قرار دارند که به واسطه فرایند پیچیده جهانی شدن پدیدار گشته و ساحت‌های گوناگون آن‌ها اعم از اقتصاد، فرهنگ و سیاست متأثر از آن است. هرگونه سخن درباره جنبش‌های نوپدید دینی، از آن رو که به مثابه پدیده‌هایی جهان‌محلی از امکانات برآمده از جهانی شدن برای پیشبرد اهدافشان بهره می‌گیرند و در معرض دگرگونی آموزه-هایشان از رهگذر تعاملات جهانی نیز هستند، بدون ملاحظه چشم‌اندازی جهانی ممکن نیست. بسیاری از جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن، در بستر انقلاب فناوری اطلاعات و قرارگرفتن در معرض دادوستدهای اطلاعاتی جهان جهانی شده، خود را با اقتضات جهانی شدن تطبیق داده‌اند و حتی اگر در مواردی (نظیر آئوم‌شینریکیو) در مخالفت با جهانی شدن گام برداشته‌اند، اما هم‌زمان از ظرفیت‌های آن نیز استفاده کرده‌اند. برخی از جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی در عصر پسا-آئومی (نظیر کاگامیکیو)، نه تنها جویای توامان هویت جهانی و هویت محلی‌اند، بلکه با ظاهرشدن در کسوت نوعی فرا-دین جهانی، خود را با اقتضات برآمده از جهانی شدن تطبیق داده‌اند و معطوف به هر دو امر دینی و امر سکولار در عرصه‌های محلی و جهانی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جنبش‌های نوپدید دینی، جهان‌محلی شدن، جنبش آئوم‌شینریکیو، جنبش کاگامیکیو، فرا-دین جهانی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۶

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسؤول): a.hooshmand@ut.ac.ir

مقدمه

فرایند پیچیده و چند بُعدی «جهانی شدن»^۱ که به مدد ابزارها و فناوری‌های نوین ارتباطی، گسترش اطلاعات، و مهاجرت، تغییرات عمده‌ای را در سطوح گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جوامع معاصر موجب شده است، نه فقط در ساختارهای کلان، بلکه حتی در خرده‌امور روزمره فردی انسان‌ها نیز جلوه‌های پیدا و پنهان خود را دارد. بدیهی است که حوزه دین، چه گستره ادیان سنتی و چه ادیان نوپدید، نمی‌تواند در فضای معاصر که خواسته یا ناخواسته در معرض امواج سهمگین جهانی شدن است، تحت الشعاع این پدیده جهان‌گستر قرار نگیرد. می‌توان حدس زد که «جنبش‌های نوپدید دینی»^۲ به عنوان پدیده‌ای برساخته نیمه دوم قرن بیستم در بستر تحولات آن دوره، نسبت به مراتب ژرف و پیچیده‌ای با پدیده جهانی شدن داشته باشند. با اعتبار چنین فرضی بالطبع مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی در پرتو نظریه‌های جهانی شدن، بتواند زوایا و جنبه‌های دیگری از این جنبش‌ها را نمایان سازد.

ژاپن، به عنوان کشوری با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی، و برخوردار از تجربیات تاریخی منحصر به فرد، از معدود کشورهای مشرق‌زمین است که در اواخر قرن نوزدهم، در مسیر پیچیده و دشوار تحقق و تجربه مدرنیته گام برداشت و سرانجام در اوایل قرن بیستم در سیمای یک کشور مدرن ظاهر شد. اما شکست سنگین ژاپنی‌ها در جنگ جهانی دوم، آن‌چنان یاس و نومیدی عمیقی را به پیکره ژاپن تحمیل کرد که با وجود تداوم فرایند توسعه در دوران پساجنگ و مبدل شدن ژاپن به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان، التیام زخم‌ها و فراموشی رنج‌ها به سهولت ممکن نبود. از آن‌جا که جامعه ژاپن در دو دهه آخر قرن بیستم، از یک‌سو شاهد ظهور جنبش‌های نوپدید دینی متعددی بود و از سوی دیگر انقلاب فناوری اطلاعات را که یکی از ابزارها و بسترهای اساسی فرایند جهانی شدن است تجربه کرد، به نظر می‌رسد که مطالعه این جنبش‌ها در چشم‌اندازی جهانی ناظر به فرایند جهانی شدن، افق‌های تازه‌ای را در مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی بگشاید.

مسئله اصلی تحقیق در این مقاله، ارزیابی نسبت میان جنبش‌های نوپدید دینی با

۱. globalization

۲. New Religious Movements (NRMs)

فرایند جهانی شدن با تأکید بر تجربه کشور ژاپن با نظر به برخی از نظریات پژوهشگران این حوزه است. فرضیه تحقیق آن است که در گستره وسیع لایه‌های گوناگون فرایند جهانی شدن، بُعد فرهنگی جهانی شدن می‌تواند به منظور مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی، به ویژه از منظر مسأله هویت، ثمربخش باشد. می‌توان بسیاری از جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن را، از آن رو که از ابزارهای جهانی شدن برای کسب هویتی جهانی علاوه بر هویت ملی بهره می‌گیرند، به مثابه پیوندهای فرهنگی یا پدیده‌های جهان‌محلی در نظر گرفت که حتی اگر بعضاً موضعی مخالف با جریان جهانی شدن دارند، به ناچار از امکانات جهانی برای رشد و توسعه خود بهره می‌گیرند.

۱. جنبش‌های نوپدید دینی و فرایند جهانی شدن

اصطلاح «جنبش‌های نوپدید دینی» (NRMs) معمولاً به گستره وسیعی از گروه‌های دینی اطلاق می‌شود که اغلبشان از دهه ۱۹۷۰ در کشورهای غربی ظهور یافتند و عموماً خارج از سنت‌های دینی به لحاظ فرهنگی تثبیت شده‌اند و سنتی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.^۱ علی‌رغم آن‌که کانون آغازین این جنبش‌ها کشورهای غربی بود، آن‌ها مختص غرب نیستند و در بسیاری از کشورهای حوزه شرق، از جمله در بخش‌هایی از آفریقا و شرق آسیا به ویژه کره و ژاپن ظاهر شدند.^۲ باید توجه داشت که ادیان نوپدید^۳، مشتمل بر جنبش‌های نوپدید دینی، برآمده از دل مهاجرت و تبادل افکارند که ظهورشان به مدد سهولت سفر و ابزارهای ارتباطی بالاخص اینترنت، به ویژه در آمریکا و ژاپن، تسریع شده است.^۴ در عین حال، حوزه مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی که تقریباً هم‌زمان با ظهور این جنبش‌ها آغاز شد، با بسط

۱. Dillon, Michele, "New Religious Movements", *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Bryan S. Turner (ed.), New York, Cambridge University Press, 2006, p.416.

۲. ویلسن، بریان و کرسول، جمی، جنبش‌های دینی جدید، چالش و واکنش، ترجمه موسی اکرمی، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳ش، ص ۲۹.

۳. New Religions

۴. Wessinger, Catherine, "New Religious Movements: An Overview", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (ed.), Tomson Gale, 2005, 2nd edition, vol.10, p.6514.

مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مطالعه‌ی ادیان، ماهیتی میان‌رشته‌ای پیدا کرده است.^۱ دو نکته‌ی اخیر، حائز اهمیت زیادی است؛ زیرا نشان می‌دهد مطالعه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی از چشم‌انداز جهانی شدن، نه تنها بر نوعی رویکرد میان‌رشته‌ای دلالت دارد، بلکه به‌علاوه با توجه به سرشت خود این نوع جنبش‌ها که گویای پیوند عمیقشان با فرایند جهانی شدن است، امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

تنوع و تکثر نظریه‌های جهانی شدن در حوزه‌ی مطالعات نظری در علوم اجتماعی یا مطالعات فرهنگی، ممکن است در ظاهر محققان را در هزارتویی از نظریه‌های متعدد و سردرگمی گرفتار نماید. با این حال، بسته به موضوع یا پدیدار مورد مطالعه از دریچه‌ی جهانی شدن، می‌توان سرنخ‌های متناسب با موضوع یا پدیده‌ی مورد مطالعه را، در کلاف به‌ظاهر سردرگم و پیچیده‌ی نظریه‌پردازی‌های جهانی شدن، دنبال نمود. لذا تشخیص آن‌که در مطالعه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی از چشم‌انداز فرایند جهانی شدن کدام جهت‌گیری‌های نظری جهانی شدن می‌توان بیشتر راهگشا باشد، اهمیت دارد.

یکی از پارادایم‌های عمده در نظریه‌پردازی ابعاد فرهنگی پدیده‌ی جهان‌شدن، پارادایم «پیوندهای فرهنگی» (دو رگه‌شدن)^۲ است که در آن، معتقدند بر اثر جهانی شدن اختلاط فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و از تلفیق فرهنگ‌های جهانی با فرهنگ‌های محلی، «فرهنگ‌های پیوندی» پدیدار می‌گردند. در این دیدگاه، از آن‌جا که پیوندهای فرهنگی به‌مثابه «فرایندی خلاق» تصور می‌شوند، فرایند جهان‌شدن پدیده‌ای نسبتاً خوشبینانه در نظر گرفته می‌شود و مفهوم «جهان‌محلی شدن»^۳ مضمونی کلیدی محسوب می‌شود.^۴ رولاند رابرتسون^۵، جامعه‌شناس انگلیسی و از نظریه‌پردازان مهم جهانی شدن، از تعبیر معروفش «جهان‌محلی شدن»، با نگرشی متفاوت و در مخالفت با ایده‌ی تصور درباره‌ی جهانی شدن به‌مثابه امپریالیسم فرهنگی استفاده می‌کند. منظور وی از این تعبیر آن است که «امر جهانی»^۶ در تعامل با «امر محلی»^۱

۱. Ibid, p.6514.

۲. hybridization

۳. Glocalization

۴. ریتزر، جرج، نظریه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۳ش، ص ۷۸۴.

۵. Roland Robertson

۶. The Global

چیزی را به وجود می‌آورد که هم متمایز از امر جهانی و هم متمایز از امر محلی، یعنی امر «جهان‌محلی»^۲ خواهد بود.^۳

برخی از محققان معتقدند که ادیان، با آن‌که معمولاً پیام کلی خود را «جهان‌وطنی»^۴ و «جهانشمول»^۵ معرفی می‌کنند، در عین حال می‌توانند به تمامی دلمشغول تعاملات محلی باشند. به نظر می‌رسد که آن‌چه توسط جهانی‌شدن مورد تأکید قرار می‌گیرد، «تباین امر جهانی و امر محلی» است و ادیان نوپدید به طور خاص تطابق این دو امر متباین را دنبال می‌کنند.^۶ در چنین منظری، ادیان برخوردار از ظرفیت پرداختن به هر دو وجه امر محلی و امر جهانی‌اند و ادیان نوپدید نیز در میانه امر محلی و امر جهانی ایستاده‌اند.

از آن‌جا که در این مقاله، نسبت جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن با جهانی‌شدن مورد تأکید خواهد بود، با نظر به اهمیت بدیهی پدیدارهای جهان‌محلی در نظریه‌های جهانی‌شدن به‌ویژه برای کشورهای غیرغربی، مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی از منظر جهانی‌شدن فرهنگی که برسازنده پدیده‌های جهان‌محلی (از جمله خود این جنبش‌ها) است و گویای ایستادن جنبش‌های نوپدید دینی در میانه امر محلی و امر جهانی است، مسیری مناسب به نظر می‌رسد.

۲. مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی در چشم‌انداز جهانی در نظر برخی از پژوهشگران
پیتر برنارد کلارک، پژوهشگر مطالعات ادیان که ادیان نوپدید را در چشم‌انداز جهانی مورد بررسی قرار داده است، عقیده دارد که وقتی پدیده جنبش‌های نوپدید دینی در چشم‌اندازی

۱. The Local

۲. The Glocal

۳. نک. ریتزر، جرج، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۲ش، ص ۴۴۵.

۴. cosmopolitan

۵. universal

۶. Warburg, Margit & Christensen, Dorthe Refslund & Geertz, Armin W, "New Religions and Globalization: An Introduction", *New Religions and Globalization: Empirical, Theoretical and Methodological Perspectives*, Armin Geertz (ed.) and Margit Warburg (ed.), Aarhus: Aarhus University Press, 2008, p.10.

جهانی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، چارچوب بحث «دگرگونی دینی» در معنایی گسترده و شامل تحولات مربوط به ادیان اصلی و قدیمی خواهد بود. چنین رویکردی به عقیدهٔ وی، کمک شایان توجهی به درک ویژگی‌های نوآرانهٔ جنبش‌های نوپدید دینی خواهد کرد؛^۱ به علاوه، از چند منظر نیز مفید فایده و ثمربخش است:

۱. چشم‌انداز جهانی می‌تواند نقش جنبش‌های نوپدید دینی ناشناخته در برساختن «امر جهان‌محلی» را آشکار نماید و یا با نشان دادن ضوابط گوناگون مورد پذیرش در سطح جهانی برای دگرگونی دینی یا نوآوری دینی، مشخص کند که یک جنبش دینی خاص به چه معنا «نوپدید» است؛^۲

۲. این حقیقت که «معنویت سوئیژکتیو»^۳ در جوامعی که به لحاظ اقتصادی پیشرفته‌تر هستند، جذبۀ بیشتری دارد، در چشم‌انداز جهانی معلوم می‌شود. به علاوه، جهانی شدن تا اندازه‌ای اختلافات میان انواع «نوآوری‌های دینی» را که برای اقصی نقاط جهان جذابیت دارند، متعادل و جبران می‌کند؛^۴

۳. از منظر جهانی می‌توان متوجه این واقعیت شد که گسترهٔ فنون و منابع معنوی مورد اقبال در نقاط مختلف جهان تا چه اندازه وسیع و متنوع، و نه فقط محدود به تغییر محتوای باورهای دینی، بلکه واجد خلق یک «رویکرد شناختی جدید به سوی حقیقت معنوی» است: راهی نو برای شناخت که معنای تازه‌ای به ایمان و درک جدیدی از «غایت رشد معنوی» به دست می‌دهد؛^۵

۴. چشم‌انداز جهانی، نه فقط صور گوناگون شناخت دینی، بلکه معانی چندگانهٔ اصطلاح «نوپدید» و راه‌های جدید «وابستگی دینی» را وضوح می‌بخشد؛^۶

۵. در منظری جهانی، ادیان قدیمی‌تر از ویژگی‌های منطقه‌ای و جغرافیایی خود

۱. Clarke, Peter B., *New Religions in Global Perspective: A study of religious change in the modern world*, Taylor & Francis e-Library, p.3.

۲. Ibid, p.3.

۳. subjective spirituality

۴. Ibid, p.3.

۵. Ibid, p.3.

۶. Ibid, p.4

آزاد می‌شوند و یک «تصویر جهانشمول» را مفروض می‌گیرند. در عین حال، امکان «وابستگی دینی چندگانه»^۱ این احتمال را افزایش می‌دهد که ادیان درصدد برآیند تا یکدیگر را تغییر دهند؛^۲

۶. از رهگذر چشم‌انداز جهانی می‌توان به این نکته واقف شد که چگونه سنت‌های دینی گوناگون چندان درصدد جایگزین شدن به جای یکدیگر نیستند و در عوض، بیشتر وقت و انرژی خود را صرف دگرگونی فهم یکدیگر از مفاهیم اساسی (امر متعالی، ایمان، و نیک و بد؛ معنا، هدف و کارکردهای دین؛ وابستگی دینی و رویکرد معطوف بدان؛ و روش‌های گسترش باورهای دینی) می‌کنند. چنین رویکردی، بر ضوابط مختلف نوآوری دینی که در هر فرهنگ یا سنت دینی در قیاس با فرهنگ یا سنت دینی دیگر تفاوت دارد، پرتوئی تازه می‌افکند و این امکان نیز فراهم می‌آید که نوعی «همسانی نظرگاه» در خصوص پرسش از خود نوآوری فراهم آید.^۳

کلیت آنچه مدنظر کلارک است، ظهور ظرفیت‌هایی جدید برای صور تازه‌ای از رویارویی یا هم‌زیستی گروه‌های دینی جدید در فضای جهانی شده است که ادیان نوپدید را به جای ستیزه با دیگر گروه‌های دینی، به سوی نوعی بازخوانی یا بازسازی آموزه‌های دینی - شان بنا به اقتضائات زمانه (که مؤید نوپدیدی آن‌ها نیز هست) سوق می‌دهد و آن‌ها را مترصد جلب پیروان جدید در حوزه‌های جغرافیایی و فرهنگی فراتر از مرزهای بومی می‌کند. به علاوه، خود رویارویی ادیان نوپدید با یکدیگر در سطوح جهانی، خواه ناخواه امکان تغییر آموزه‌ها و نگرش‌ها در هریک را فراهم می‌آورد. می‌توان نسبت به ادعای کلارک که معتقد است ادیان نوپدید در عصر جهانی بعضاً در جهت تغییر یکدیگر گام برمی‌دارند، تا اندازه‌ای به دیده تردید نگاه کرد؛ زیرا تغییرات مذکور تا حدی به شکل خودبه‌خودی از رهگذر مواجهه ادیان نوپدید با یکدیگر به مدد ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی عصر جهانی - شدن و نیز تعاملات و مراودات پیروان آن‌ها روی خواهد داد، نه لزوماً به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده که به نظر فحوای کلام کلارک بر آن دلالت دارد.

۱. multiple belonging

۲. Ibid, p.4

۳. Ibid, pp.5, 6

الیزابت آروک، محقق انگلیسی ادیان معاصر، در بحث خود در باب نسبت میان نظریه جهانی شدن و جنبش‌های نوپدید دینی، چند مسأله کلیدی را برمی‌شمارد:^۱

۱. پرسش از مرزها (چه مرزهای بین ادیان و چه مرزهای بین دین و هرآنچه دین نیست) که به جهت طرح مسأله در باب تعاریف، سنخ‌شناسی یا دسته‌بندی جنبش‌های نوپدید دینی، و تشخیص این‌که آن‌ها حقیقتاً دین یا به واقع نوپدید هستند، اهمیت دارد؛

۲. تأثیر ارتباطات بر جنبش‌های نوپدید دینی، یا بالعکس، تأثیر جهانی این جنبش‌ها به مدد بکارگیری یا بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی؛

۳. پویایی مابین جنبش‌های نوپدید دینی و سامانه‌های اجتماعی و سیاسی‌ای که این جنبش‌ها در بطن آن‌ها عمل می‌کنند.

به باور آروک، جنبش‌های نوپدید دینی را می‌توان از یک منظر، نمونه‌ای مناسب به جهت پیوند با جهانی شدن، اما از منظری دیگر نمونه‌ای نامناسب برای لحاظ کردن در چشم‌انداز جهانی شدن تلقی کرد. از یک‌سو، گسترش برخی از جنبش‌های نوپدید دینی و سازمان‌های مرتبط با آن‌ها، توأم با تبعیت از برخی الگوهای مُعرف جهانی شدن است: «تحرک فزاینده و مبادله روزافزون کالاها (چه کالاهای مادی، چه کالاهای غیرمادی) و [مبادله] افراد، پتانسیل فناوری اطلاعات به منظور ارتباطات، هم‌تاسازی اعمال و فعالیت‌ها، رشد سازمان‌های فراملی، و فرآیندهای درون‌فرهنگی‌سازی».^۲ از این منظر، می‌توان جنبش‌های نوپدید دینی را هم‌چون ادیانی قلمداد کرد که «استراتژی‌های تجاری بازار سکولار» را مورد استفاده قرار می‌دهند.^۳ اما از سوی دیگر، تمایز سرچشمه‌ها و زمینه‌های فرهنگی جنبش‌های نوپدید دینی، با اثراتی که این تمایز به جهت نفوذ توفیق‌آمیز در سپهرهای فرهنگی دیگر دارد، مانعی بالقوه برای جهانی شدن جنبش‌های نوپدید دینی محسوب می‌شود. برخی از این جنبش‌ها، علی‌رغم این ادعا که آموزه‌هایشان اهمیتی جهانشمول دارد، مخاطبان چندانی فراتر از مرزهای منطقه‌ای یا ملی خود نیافته‌اند. به علاوه، پویایی درونی

۱. Arweck, Elisabeth, "Globalization and New Religious Movements", *Religion, Globalization and Culture*, Peter Beyer (ed.) and Lori Beaman (ed.), Lieden, Koninklijke Brill NV, 2007, p.255.

۲. inculturation

۳. Ibid, pp.276, 277.

جنبش‌های نوپدید دینی و رویکرد آن‌ها در قبال جامعه وسیع‌تر و در قبال جامعه جهانی، می‌تواند علیه هرگونه بسط و توسعه در مقیاس جهانی به ستیزه برخیزد که به گفته آروک، نمونه چنین رویکردی را می‌توان در جنبش آنوم شینریکیو مشاهده نمود.^۱

شکی نیست که ادعای آروک مبنی بر عدم توفیق بسیاری از جنبش‌های نوپدید دینی در نفوذ و گسترش یافتن در سپهرهای فرهنگی فراتر از چارچوب‌های بومی کاملاً قابل دفاع است. با این وجود، اشاره وی به جنبش آنوم شینریکیو به عنوان نمونه‌ای از چنین جنبش‌هایی، همان‌گونه که در ادامه این مقاله نیز خواهیم دید، چندان قابل قبول نیست؛ چراکه این جنبش، همان‌گونه که بعداً اشاره خواهیم کرد، به مدد ابزارهای ارتباطی توانست پیروان زیادی را در کشور روسیه جذب کند.

در نظر آروک، هرچند فضای جهانی شده امکان اختفای جنبش‌های نوپدید دینی را دشوار می‌کند، اما هم‌چنان مسئله فقدان بالقوه شفافیت آن‌ها وجود دارد. این جنبش‌ها، هم یک «چهره عمومی» و هم یک «چهره خصوصی» دارند و سردمداران این جنبش‌ها انواع اطلاعات موجود درباره آن‌ها را کنترل می‌کنند. این کنترل و دستکاری می‌تواند شامل استراتژی‌هایی برای مجادله با هرآنچه علیه آن‌هاست، حذف اطلاعات خاص از حوزه دسترسی عمومی، و افزودن اطلاعات ساختگی توسط خودشان به بازار شایعات باشد.^۲

به گفته نابوتاکا اینوئه، پژوهشگر ژاپنی مطالعات ادیان ژاپن، جهانی‌شدن به دلیل داشتن پیوندی وثیق با توسعه رسانه‌های ارتباطی، به‌مثابه بسط سریع مبادلات «فرهنگ توده-ای، سفرهای بین‌المللی، و سرعت و حجم روزافزون داد و ستد و تجارت بین‌المللی»، و در میان مردم نیز در شکل عمومیت یافتن همین مبادلات به پیش می‌رود. پیشرفت فناوری اطلاعات، فرصت‌های فراوانی را برای کسب آگاهی در مردم نسبت به فرهنگ‌ها و زیست-جهان‌های دیگری که به‌کل متفاوت‌اند، به‌وجود آورده است.^۳

واربورگ، کریستینسن و گیرتز، پژوهشگران دانمارکی حوزه مطالعات ادیان، ضمن

۱. Ibid, p.277.

۲. Ibid, p. 277

۳. Inoue, Nobutaka, "Globalization and Religion: The Cases of Japan and Korea", *Religion, Globalization and Culture*, Peter Beyer (ed.) and Lori Beaman (ed.), Lieden, Koninklijke Brill NV, 2007, p.455.

اشاره به این‌که مطالعه ادیان نوپدید در چشم‌اندازی جهانی، هم به جهت مطالعه عمومی دین و هم در راستای مطالعه عمومی جهان‌شدن، واجد برخی از برخی مزیت‌های نظری و روش‌شناختی است، رویکردهای مطالعاتی ادیان نوپدید با بهره‌گیری از نظریه‌ها و روش‌شناسی‌های جهانی‌شدن را برخوردار از مزایای عمده‌ای می‌دانند:^۱

۱. تنوع نظریه‌های گوناگون در باب فرآیندها و تأثیرات جهانی‌شدن و نتایج آن، ابزارها و رویکردهای متنوعی را فراهم می‌آورد که می‌توانند به منظور اصلاح تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مطالعات دین‌های نوپدید به‌کار روند؛

۲. جهانی‌شدن می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را فراهم کند که تحرک دینی حاصل از مهاجرت افراد، گسترش آداب و رسوم و سنت‌ها به فرارفتن از بسترهای آغازین خود، نفوذ آن‌ها در دیگر حوزه‌های فرهنگی، و دگرگونی آن‌ها توسط اعضای غیر بومی را تسریع نماید؛

۳. چگونگی تعامل گروه‌های دینی مختلف با یکدیگر در دنیای جهانی‌شده و از رهگذر پدیده مهاجرت وضوح بیشتری می‌یابد. در واقع پیامد ناگزیر چندفرهنگی‌شدن، به چالش کشیده شدن نظم قدیمی در در محیط‌های فرهنگی و جغرافیایی جدید است. این وضعیت متکثر که تعامل گروه‌های دینی و پیروان آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، مشتمل بر گستره‌ای متنوع، از تقابل تا گفت‌وگوی درون‌دینی و در برخی موارد هم‌زیستی است؛

۴. با این فرض که جهانی‌شدن نه لزوماً یک پدیده فرهنگی مدرن یا پُست‌مدرن، بلکه پدیده‌ای کهن است، مطالعه برخی از دوره‌های تاریخی پیشامدرن می‌تواند ابزارهای تحلیلی مناسبی را جهت مطالعه ادیان نوپدید و فرایند جهانی‌شدن کنونی فراهم نماید. نکته کلیدی موارد فوق، تأکید بر ساختارهای چندفرهنگی رشد و گسترش ادیان نوپدید است که در پس‌زمینه عواملی که آن‌ها را با یکدیگر مواجه می‌سازد، صورت جدیدی از تقابل یا هم‌زیستی را شکل می‌دهد. آگاهی از شرایطی که بر مسیر تغییر و تحولات دینی جهان کنونی حاکم است و بر تأثیرات عمیق جهانی‌شدن دلالت دارد، در حکم شرطی ضروری برای مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی است.

۱. Warburg et al, *New Religions and Globalization*, pp.10-12.

- موریتز کلنک، پژوهشگر مطالعات ادیان، مدعی پنج مکانیسم ارتباطی است که جنبش‌های نوپدید دینی از رهگذر آن‌ها با فرایند جهانی شدن نسبت می‌یابند:^۱
- سامان‌دهی این جنبش‌ها به نحوی جهانی (جنبش‌های نوپدید دینی جهانی شده)؛
 - بهره‌گیری این جنبش‌ها از «مفاهیم و نمادهای فرهنگی جهانی شده» در دل فرهنگ جهانی؛
 - لزوم درک این جنبش‌ها به مثابه «شکوفائی محلی^۲ صورت دینی (ایده‌ها و مفاهیم) یک نظام جهانی دین»؛
 - تدارک یک نظام ارتباطی با هدف انتقال اطلاعات درباره موضوعات دینی که می‌تواند ادیان سنتی را به چالش کشیده، آن‌ها را ناچار به واکنش در بسترهای بدیع جهانی نماید؛
 - این جنبش‌ها، در کنار ارائه راهکارهای تازه و معنا، با تثبیت ساختارهایی که مورد توجه ادیان دیگر قرار می‌گیرد، لاجرم آن‌ها را وارد عرصه جهانی می‌کنند.

۳. جهانی شدن، جنبش‌های نوپدید دینی و مسأله هویت

با لحاظ جنبش‌های نوپدید دینی به مثابه پدیده‌ای جهان‌محلی در میانه امر محلی و امر جهانی، طبیعتاً نسبت میان کنش‌ها و جهت‌گیری‌های این جنبش‌ها با مسأله هویت، اعم از هویت محلی/بومی و هویت فردی در پس‌زمینه جهانی شدن اهمیتی کلیدی می‌یابد که باید مورد توجه دقیق قرار بگیرد.

مانوئل کاستلز^۳ جامعه‌شناس مشهور اسپانیایی، معتقد است که در جهان امروز که دستخوش «تغییرات مهارناشدنی و حیرت‌انگیز» است، مردم مجدداً به سمت «هویت‌های بنیادین» از جمله هویت دینی، قومی، سرزمینی و ملی گرایش و تمایل پیدا می‌کنند و «جست‌وجوی هویت جمعی یا فردی»، به سرچشمه اصلی «معنای اجتماعی» مبدل می‌شود.

۱. Klenk, Moritz, "New Religious Movements in Global Perspective: A Systems Theoretical Approach", *Zeitschrift für junge Religionswissenschaft*, 7, 2012, 1-17, p.10.

۲. local realisation

۳. Manuel Castells

در نظر کاستلز، هرچند سابقه هویت جویی منحصر به عصر کنونی نیست و به «سپیده‌دم جامعه بشری» بازمی‌گردد، اما در دوران جدید به علت «ساختارژدایی گسترده سازمان‌ها، مشروعیت‌زدایی نهادها، رنگ باختن جنبش‌های اجتماعی بزرگ و تجلیات فرهنگی گذرا»، هویت مبدل به «اصلی‌ترین و گاه تنها سرچشمه معنا» شده است.^۱ در نظر کاستلز، اساسی-ترین بدیل برسازنده معنا در جامعه امروز برای آن کنشگران اجتماعی که «از فردی شدن هویت در شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت طرد شده‌اند یا در برابر آن مقاومت می‌کنند»، آن نوع «جماعت‌های فرهنگی» است که بر بنیادهای دینی، ملی یا منطقه‌ای استوارند و در مجموع برخوردار از سه ویژگی عمده‌اند: ۱. به‌مثابه واکنش‌های دربردارنده «منابع مستقل معنایی» در برابر جریان‌های اجتماعی رایج عمل می‌کنند؛ ۲. در آغاز به‌مانند هویت‌های تدافعی در مواجهه با «دنیای خصمانه بیرونی» از رهگذر کارکردهایی چون انسجام، تأمین پناهگاه، و حمایت ظاهر می‌شوند؛ ۳. مجموعه مشخصی از ارزش‌های فرهنگی برساخته می‌شوند که «معنا و سهم این ارزش‌ها توسط اصول و قواعد خاص خود-شناسایی^۲ مشخص می‌شوند».^۳

رابرتسون نیز بیان می‌کند که در اواخر قرن بیستم، تردید در فرهنگ‌های ملی ضرورت «تصریح هویت» را موجب شد و با توجه به چندملیتی بودن شمار زیادی از سازمان‌ها و جنبش‌های دینی، روابط این جنبش‌ها با حکومت‌های ملی دچار تنش‌های زیادی شد. در نظر او، بروز هرگونه تردید در مورد هویت‌های جوامع و افراد به علت پدیده جهانی شدن، تمدن‌های مختلف را مبدل به «میدان عمومی واحدی» کرده است و در این میان، سنت‌های دینی می‌توانند به «منابع نیرومندی برای ارائه تصاویر جدیدی از نظم جهانی» مبدل شوند. رابرتسون معتقد است که در پی تحولات نگران‌کننده جهانی، نوعی «حسرت‌زدگی عمومی» و «گرایش به تصاویر گذشته» قابل مشاهده است که همین امر سبب بازگشت مجدد گروه‌ها

۱. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ظهور جامعه شبکه‌ای (جلد ۱)، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹.

۲. self-identification

۳. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. قدرت هویت (جلد ۲)، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش، صص ۸۷-۸۸.

و جنبش‌های دینی به «بنیاد»ها به‌مثابه راهکاری برای «ریشه‌دار کردن فرد در فرهنگ دینی ملت و دوباره شکل دادن نظم جهانی» می‌شود. در نظر وی، رهبران دینی در کسوت «کنشگران جهانی» ظاهر شده‌اند و دین، علی‌رغم آنکه جهت‌گیری جهانی‌شدن را معین نمی‌کند، «تعریف موقعیت جهانی» را متأثر خواهد ساخت.^۱

فحوای کلام رابرتسون در باب مسأله هویت، جای توجه جدی دارد. در واقع خود روی آوردن پیروان ادیان نوپدید به بهره‌گیری از ابزارهای جهانی‌شدن در راستای گسترش در سطوحی جهانی فراتر از مرزهای ملی، در بستر به چالش کشیده شدن خود هویت‌های ملی در جهان جهانی‌شده شکل گرفته است. می‌توان گفت که جهت‌گیری ادیان نوپدید به سوی بازسازی هویت‌های جهانی، به طور ضمنی مترصد برساختن انواع جدیدی از هویت ملی نیز هست که درصدد ایفای نقش تازه، نه فقط در محدوده مرزهای داخلی، بلکه خارج از آن در سطح جهانی است. با این اوصاف، می‌توان انتظار داشت که در میان جنبش‌های نوپدید دینی، متعاقب مسأله‌دارشدن هویت بومی، رویکردهائی نه‌چندان خوش‌بینانه نسبت به خود فرایند جهانی‌شدن وجود داشته باشد. این موضوع ضمن بررسی جنبش آئوم شینریکیو وضوح بیشتری خواهد یافت.

۴. جنبش‌های نوپدید دینی در پرتو جهانی‌شدن: تجربه ژاپن

فهم زوایای متعدّد جامعه ژاپن از جمله ادیان نوپدید ژاپنی، در وهله نخست مستلزم داشتن تصویری صحیح در باب وضعیت و شرایط ژاپن دوران معاصر است. شاید بتوان گفت که درک فرایند مدرن‌شدن ژاپن در قرن نوزدهم اثرات پایدار آن، شکست سنگین ژاپن در جنگ جهانی دوم، و سلطه ضمنی آمریکا که دلالت بر فضای جهانی‌شده نیز دارد، نقشی بنیادی بر تحولات آتی جامعه ژاپن داشته‌اند و بالطبع در شکل دادن به جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی مؤثر بوده‌اند.^۲ با توجه به نشوونمای جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی در اواخر

۱. نک. فورشت، اینگر و رپستاد، پل، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین: چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر*،

ترجمه مجید جعفریان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ش، صص ۲۵۱-۲۵۲.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ماهیت تجربه مدرنیته ژاپن در عصر میجی، رجوع شود به: لیدمن، سون اریک، *در سایه آینده: تاریخ اندیشه‌ی مدرنیته*، ترجمه سعید مقدم، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۷ش، ص ۵۳۷. همچنین برای کسب آگاهی بیشتر در رابطه با تأثیرات درازمدت جنگ جهانی دوم بر جامعه ژاپن، رجوع

قرن نوزدهم، باید فضای اجتماعی و فرهنگی این دوره را مورد ملاحظه قرار داد. یوگو دسی پژوهشگر ادیان، دین‌های معاصر ژاپنی را با نظر به شیوه‌های مختلف ایفای نقش در بطن فرایند جهانی‌شدن و نیز با توجه به زمینه‌های خاص فرهنگی ژاپن، در شش سنخ کلی دسته‌بندی می‌کند:^۱

۱. برخی از ادیان ژاپنی در بستر «نسبی‌سازی^۲ جهان‌بینی‌ها و ارزش‌هایی که توسط جهانی‌شدن ترویج می‌شود» شأن مساوی دیگر ادیان را تأیید و موقعیت خود را به عنوان یک دین راستین در میان دیگر ادیان راستین^۳ بازنگری و بازسازی می‌کنند (کثرت‌گرایی دینی)؛ برخی از ادیان ژاپنی، برای دیگر ادیانی که به‌زعم آن‌ها فرودست هستند، برخورداری از درجاتی از حقیقت را قائل‌اند (شمول‌گرایی دینی^۴)؛ و بعضی ادیان ژاپنی نیز اعتبار و ارزش‌های دیگر ادیان را به طور کلی رد می‌کنند (انحصارگرایی دینی^۵)؛

۲. از آن‌جا که جهانی‌شدن مولد تفسیرهای محلی در حوزه دین است، واکنش برخی از ادیان ژاپنی به جریان‌های فرهنگی (چه دینی و چه غیردینی) شکل دادن هویت‌های جهان‌محلی جدید یا مشارکت در جهانی‌شدن است. جهان‌محلی‌شدن می‌تواند یا با تکیه بر «منابع بیرونی»^۶ که متعاقباً به عنوان مقتضیات محلی پذیرفته می‌شوند، و یا با تکیه بر «منابع بومی»^۷ با هدف «احیای سرچشمه‌ها» و یا «ساختن سنت» انجام شود؛

۳. برخی از ادیان ژاپنی در برابر «نسبی‌سازی جهان‌بینی‌ها»^۸ و همگون‌سازی فرهنگی^۹ مقاومت می‌کنند، به مصاف دگرگونی و دورگه‌شدن می‌روند و اعتبار دیگر ادیان

شود به: رایشاوئر، ادوین اولدفادر، ژاپن در گذشته و حال، ترجمه محمود مصاحب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش، صص ۲۴۸-۲۶۰.

۱. Dessi, Ugo, *Japanese religions and globalization*, Abingdon, Routledge, Taylor & Francis Group, 2013, pp.5-6.

۲. relativization

۳. religious inclusivism

۴. religious exclusivism

۵. external sources

۶. native sources

۷. relativization of worldviews

۸. cultural homogenization

یا فرهنگ‌ها را رد می‌کنند (تعصب فرهنگی)^۱؛

۴. بعضی از ادیان ژاپنی در کسوت بخشی جدائی‌ناپذیر از جریان‌های فرهنگی‌ای که مشخصه جامعه جهانی است، به مثابه «حامل جهانی‌شدن» سهمی مهم را در مبادلات فرهنگی^۲ در گستره جهانی ایفا می‌نمایند؛

۵. از آن‌جا که فرآیند شتابناک جهانی‌شدن و افزایش «آگاهی بازتابنده جهانی‌شدن»، به طرزی ناگزیر با توسعه بازارهای جهانی و سامانه‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی (که به لحاظ عملکردی متمایز از حوزه دین هستند) پیوند دارد، برخی از ادیان ژاپنی در کسوت نوعی «زیرسامانه»^۳ مجزا در جامعه جهانی ایفای نقش می‌کنند، اغلب درگیر «گفتگوهای مرزی»^۴ با زیرسامانه‌های غالب می‌شوند، و گهگاه با آن‌ها وارد رقابت می‌گردند؛

۶. برخی از ادیان ژاپنی در سطح سیستمی^۵ مترصد به دست آوردن مشروعیت تازه و نقشی جدید در بطن فرایند جهانی‌شدن هستند و خود را معطوف حل مشکلاتی چون جنگ، فقر، بحران زیست‌محیطی، و از خودبیگانگی اجتماعی (که توسط سایر زیرسامانه‌ها نظیر اقتصاد، علم، تکنولوژی و سیاست، همچنان به صورت حل نشده باقی مانده‌اند) می‌کنند. اکنون باید دید که جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن، در چه بستری از حضور و نقش - آفرینی ابزارها و مؤلفه‌های جهانی‌شدن شکل گرفته‌اند.

اینوئه بیان می‌کند که فضای اطلاعات در شرق آسیا، از جمله ژاپن، از دهه ۱۹۸۰ به سرعت دگرگون شد. تا آن موقع، نقش اصلی اطلاع‌رسانی به عهده روزنامه‌ها، مجلات و تلویزیون بود که تا اندازه‌ای توسط شرکت‌ها یا دولت کنترل می‌شدند و حلقه اثرگذاری‌شان نیز محدود به همان کشور بود. اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، برنامه‌های ماهواره‌ای آغاز به کار کردند، تقریباً به طور همزمان استفاده از اینترنت در حدی گسترده مورد اقبال عمومی قرار گرفت و دسترسی مردم به اطلاعات به سهولت ممکن شد. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، برخی از جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی شروع به پخش مراسم دینی خود بر روی ماهواره‌های

۱. cultural chauvinism

۲. cultural exchanges

۳. subsystems

۴. border negotiation

۵. systemic level

مخابراتی کردند که امکان تماشای همزمان مراسم دینی برای آن دسته از اعضایشان که در دیگر نقاط جهان بودند را فراهم کرد. با این حال، هدف آن برنامه‌ها دعوت دیگر افراد برای عضو شدن نبود و رویکرد جهانی نداشتند. در نیمه‌ی دوم دهه ۱۹۹۰ با گسترش استفاده از اینترنت، نوع جدیدی از فعالیت‌های دینی در ژاپن رونق گرفت و گروه‌های دینی متأثر از آن شدند. تأثیرگذاری‌های فرهنگی متقابل، ورای مرزهای ملی، وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد و به همین نحو فرآیند جهانی شدن در حوزه دین رونق گرفت. دهه اول قرن بیست و یکم در ژاپن عصر «انقلاب فناوری اطلاعات» نامیده شده است. بنا به آمارها، بیش از ۸۰ درصد خانواده‌های کشورهای آسیای شرقی از اینترنت برای کسب اطلاعات استفاده می‌کنند و اینترنت عمومی‌ترین ابزار کسب اطلاعات در زندگی روزمره ژاپنی‌هاست.^۱

این‌گونه رابطه جهانی شدن با حوزه دین در ژاپن را در دو شکل مورد توجه قرار می‌دهد: نخست بکارگیری ایجابی اینترنت به منظور تبلیغ دین، و دوم نقش ظهور اینترنت در سوق دادن گروه‌های دینی در مسیر پاسخ‌گویی به فشارهای اجتماعی. مورد دوم از این‌رو جدی‌تر بود که تحولات اجتماعی صورت گرفته به علت انگیزش‌های جهانی شدن اطلاعات، تصورات گوناگون مردم درباره این ادیان را تغییر می‌داد. این‌گونه با بررسی آماری میزان استفاده از اینترنت توسط پیروان و مبلغان ادیان در ژاپن، بیان می‌کند که بسیاری از اعضای ادیان نوپدید استفاده از اینترنت را بسیار زودتر از پیروان ادیان سنتی آغاز کردند. از آن‌جا که ادیان نوپدید ژاپنی تمایل داشتند که وبسایت‌های خود را با ملاحظه نیازها و تمایلات پیروان خارج از کشور ژاپن به‌روز کنند، می‌توان گفت که رویکرد تبلیغاتی‌شان، در واقع توسط فرآیند جهانی شدن جهت داده شده بود. در حقیقت با مبدل شدن اینترنت به مهم‌ترین ابزار دستیابی به اطلاعات دینی در ژاپن، مباحثات مربوط به ادیان مختلف، چه ادیان نوپدید و چه ادیان قدیمی‌تر، در فضای اینترنتی به شدت گسترش یافت.^۲

یکی از موضوعات مهم درباره جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن، تلاش نسبتاً توفیق‌آمیز آن‌ها برای مشارکت در فرآیند جهانی شدن است. از دهه ۱۹۹۰، اغلب جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی (و تا اندازه‌ای کمتر ادیان قدیمی‌تر ژاپن) به نحو فعالانه‌ای شروع به

۱. Inoue, *Religion, Globalization and Culture*, pp.456-459.

۲. Ibid, pp.459, 463, 465.

عضوگیری از غیر ژاپنی‌ها کرده‌اند. بسیاری از این ادیان، با توسعه دادن صور پالوده‌ای از «التقاط‌گری بازتابی»^۱، منجر به ظهور آشکال تازه‌ای از دین‌های التقاطی نظیر دین‌های ژاپنی-چینی، دین‌های ژاپنی-برزیلی، و دین‌های ژاپنی-آفریقایی شده‌اند.^۲

به گفته کلارک، در جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی، چه در ژاپن و چه در آن سوی مرزهای آن، می‌توان از سوئی شکل داده‌شدن دین محلی توسط جهانی‌شدن (یعنی فرآیند جهان‌محلی‌شدن)، و از سوی دیگر تغییر شکل فرایند جهانی‌شدن توسط دین محلی را مشاهده کرد.^۳

این‌گونه به منظور نشان دادن تأثیرات فرایند جهانی‌شدن بر پدیده دین در کشور ژاپن، آن را با تفکیک دو مرحله توسعه دینی این کشور مورد توجه قرار می‌دهد:

مرحله اول: «دین‌های نوپدید مدرن». به گفته وی، این ادیان که طی فرآیند مدرنیته ژاپن تا قبل از دهه ۱۹۸۰ پدیدار شده‌اند، به‌رغم تفاوت‌های زیادشان با یکدیگر پیوند بیشتری با ادیان سنتی ژاپن دارند. به علاوه، تفاوت اصلی دین‌های نوپدید مدرن با ادیان سنتی، به نحوه عضوگیری این دین‌های مدرن از میان غیر ژاپنی‌ها بازمی‌گردد که هدف آن نیز به توسعه سازمان‌هایشان و انعطاف‌پذیر بودن ساختارهای سازمانی‌شان به منظور انجام هرگونه تغییر ضروری، در هر زمانی که لازم شد، بازمی‌گردد.^۴

مرحله دوم: «دین‌های نوپدید پُست‌مدرن». این‌گونه معتقد است که این ادیان که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در جامعه ژاپن پدیدار شدند، ارتباطی بس ناچیز با ادیان سنتی ژاپن دارند، یا آن‌که حتی بعضاً فاقد هرگونه ارتباطی با دیانت سنتی هستند. اطلاق «پُست‌مدرن» به این ادیان، بر اهمیت مبتکرانه و نامعمول تأثیرات جهانی‌شدن و اطلاعاتی‌شدن بر فعالیت‌های دینی اخیر در ژاپن دلالت می‌کند. هرچند ادیان نوپدید مدرن نیز تا اندازه‌ای متأثر از جهانی‌شدن بوده‌اند، با این حال تأثیر جهانی‌شدن بر آن‌ها به هیچ وجه قابل قیاس با تأثیر آن بر

۱. reflexive syncretism

۲. Clarke, *New Religions in Global Perspective*, p.367.

۳. Ibid, p.5.

۴. Inoue, Nobutaka, "The Influence of Globalization on Japanese Religion: Dissolving Boundaries of Religious Culture", *Journal of Religion in Japan* 3, 2014, 97-120, p. 106, 107.

ادیان نوپدید پُست‌مدرن نیست، چراکه ادیان نوپدید مدرن را می‌توان واکنشی به تحولات اجتماعی ناشی از فرآیند مدرن‌شدن ژاپن قلمداد کرد. اما تأثیر بس قابل ملاحظه فرآیند جهانی‌شدن را می‌توان بر ظهور ادیان نوپدید پُست‌مدرن ژاپن مشاهده کرد.^۱

اینک برای وضوح دقیق‌تر نسبت میان جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی و فرایند جهانی‌شدن، بررسی خود را معطوف به یکی از مناقشه‌برانگیزترین جنبش‌های جدید دینی ژاپن، یعنی آئوم شینریکیو^۲ خواهیم کرد. این جنبش به دلیل رویکردی خشونت‌گرایانه، به ویژه تدارک یک حمله شیمیایی در ژاپن در سال ۱۹۹۵، منجر به دردهای فراوانی برای جامعه ژاپن شد و توجه زیادی را به خود جلب نمود.

آموزه‌های این جنبش براساس التقاطی از اصول بودیستی هینه‌یانه، مه‌یانه، و نیز هندوئیستی و تائوئیستی صورت‌بندی شده است. پیروان این جنبش به شیوا خدای هندوان به عنوان رهایی‌بخش انسان از سامسارا باور دارند و برای انسان سه امکان نجات‌بخشی قائل‌اند: رهایی انسان از بیماری، شادمانی این جهانی، و وصول به خودشکوفائی و روشنگری آن جهانی. در عین حال رسوم این جنبش ترکیبی از رسوم بودایی و فلسفه یوگا است. در این جنبش همچنین صوری از آیین تشرّف که متکی بر نیروهای معنوی یا نیروی کاریزماتیک رهبر جنبش است وجود دارد.^۳

رهبر این جنبش فردی به نام شوکو آساهارا^۴ بود که خود را گورو می‌خواند و مدعی گشودن یک جهان جدید حیات معنوی و عرفانی به روی انسان‌ها بود. اصول عجیب و عرفانی وی مورد اقبال بسیاری از جوانان تنها و بی‌هدف و دلتنگ ژاپنی قرار گرفت. آساهارا با شستشوی مغزی بسیاری از جوانان، آن‌ها را به آدمک‌هایی برای تحقق آرمان‌های آخرالزمانی‌اش تبدیل کرد. جنبش آئوم عامل حمله شیمیایی به متروی توکیو در مارس ۱۹۹۵ با گاز سارین بود که منجر به کشته شدن دوازده نفر و مصدومیت پنج هزار نفر شد. ریشه پدیده آئوم را باید در ضربات روحی حاصل از دو تجربه اساسی در دوران معاصر

۱. *ibid*, p. 107, 108.

۲. Aum Shinrikyō این جنبش پس از انشقاق در سال ۲۰۰۷، با نام Aleph به حیات خود ادامه می‌دهد.

۳. Watanabe, Manabu, "Aum Shinrikyō", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (ed.), Thomson Gale, 2005, vol. 2, 2nd edition, pp.631- 633.

۴. Shoko Asahara او پس از گذشت ۲۳ سال از حمله تروریستی آئوم، در سال ۲۰۱۸ اعدام شد.

ژاپن جست‌وجو کرد؛ یکی بازگشت میجی و دیگری شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم.^۱ به گفته کاستلز، در گفتمان آئوم نوعی پیش‌گویی درباره وضعیت آتی ژاپن مورد تأکید بود که بنا به آن، شرایط جامعه ژاپن در پایان هزاره به علت رقابت با کشورهای دیگر آسیا رو به وخامت خواهد گذاشت و همین امر ژاپن را ناگزیر به سمت تقویت نیروی نظامی بُرد. رهبران این جنبش معتقد بودند که ژاپن به منظور حمایت از منافع شرکت‌های ژاپنی که مترصد ایجاد «دولت جهانی تحت کنترل شرکت‌های چندملیتی» هستند، اراده خود را به آسیا تحمیل خواهد کرد. متعاقب آن نیز کشور ژاپن، به ناگزیر وارد جنگ با آمریکا، که حامی منافع کشورهای آسیایی برای پیشبرد برنامه خود برای دولت جهانی است، خواهد شد؛ جنگی که می‌تواند نابودی نوع بشر را منجر شود. نکته متعارض، در این واقعیت نهفته است که جنبش آئوم، به‌رغم بازنمایی وحشت از جنگ آتی، خودش را مجهز و متوسل به ابزارهای جنگی کرد و به حامیان دولت واحد جهانی اعلان جنگ نمود.^۲

به عقیده کاستلز، جنبش آئوم دشمن خود را عاملان «نظم نوین جهانی» که در صدد به انقیاد درآوردن حق حاکمیت کشورهای دیگر هستند، می‌داند؛ در واقع خصم این جنبش «دولت واحد جهانی» است که «نماینده منافع شرکت‌های چندملیتی، امپریالیسم آمریکا و پلیس ژاپن است». برای آئوم، «حضور رسانه‌ای و استفاده موثر از تکنولوژی اطلاعات» اهمیت اساسی داشت و بکارگیری تسلیحات نوعی نشانه آزادی و راهی برای جلب توجه رسانه‌ای بود. در واقع می‌توان نحوه انتشار پیام‌های آنان را نوعی «سیاست نمادین» دانست که ویژگی نهضت‌های جدید است. جنبش آئوم به نوعی علیه «جهانی‌شدن و کارگزاران سیاسی آن» واکنش نشان داد، به «فرایند مستمر اطلاعاتی شدن» متوسل شد و «رمزهای فرهنگی» را در «بن‌نهادهای اجتماعی جدید» دگرگون کرد.^۳

تحلیل کاستلز به وضوح گویای نسبت متعارض و پیچیده جنبش آئوم با جهانی‌شدن است؛ از سویی دشمنی با نتایج جهانی‌شدن، اما هم‌زمان بهره‌گرفتن از امکانات آن. یک نکته به نظر واجد اهمیت درباره آئوم شینریکیو از منظر رابطه‌اش با جهانی‌شدن که می‌تواند

۱. یوسا، میچیکو، *دینهای ژاپنی*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴ش، صص ۱۴۹، ۱۵۰.

۲. کاستلز، *عصر اطلاعات (جلد ۲)*، صص ۱۳۴، ۱۳۵.

۳. همان، صص ۱۳۷-۱۴۰.

در تکمیل ارزیابی کاستلز لحاظ شود، تلاش این جنبش برای عضوگیری از مردم غیر ژاپنی است که از بهره‌گیری اعضای این جنبش از مزایای ارتباطی عصر اطلاعات در پس‌زمینه فرایند جهانی شدن حکایت دارد. این موضوع که بر استفاده قابل توجه اعضای این جنبش از امکانات حاصل از فرایند جهانی شدن جهت عضوگیری در خارج ژاپن دلالت دارد، توسط این‌گونه مورد توجه قرار گرفته است.

این‌گونه با ذکر این موضوع که در عصر اطلاعات برخی از گروه‌ها و جنبش‌های دینی ژاپنی از مزایای برقراری پیوند با افراد دیگر کشورها و تبادل افراد و اطلاعات بهره‌برده‌اند و پیروان زیادی در خارج از مرزهای کشور خود و در مقیاسی جهانی به دست آورده‌اند، فرقه آئوم شینریکیو را به عنوان نمونه مناسبی از چنین جنبش‌هایی نام می‌برد که در زمانی که هنوز تعداد پیروانش در ژاپن کمتر از ده هزار نفر بود، دست به فعالیت‌های تبلیغاتی زیادی در کشور روسیه زد، به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ بالغ بر سی هزار عضو روسی به دست آورد - آن‌هم پس از مدت زمانی کوتاه از آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی در روسیه.^۱

این‌گونه این ابهام همچنان باقی را متذکر می‌شود که چرا فرقه آئوم، به جای تبلیغ در کشورهای آسیای شرقی، منجمله کره و تایوان و دیگر کشورهایی که در آن‌ها سنت بودایی رواج دارد، تمرکز تبلیغاتی خود را بر روی روسیه گذاشته بود؟ این‌گونه احتمال می‌دهد که فرقه آئوم، با آگاهی از فقدان ادیان پرنفوذ در جامعه روسی، آن سرزمین را برای جذب پیروان و اعضای خارجی مناسب‌تر دیده باشد و لذا متعاقب سقوط اتحاد جماهیر شوروی، تبلیغات خود را معطوف به آن‌جا کرده باشد.^۲

به گفته یان ریدر مسأله آئوم از چنان اهمیتی در تاریخ دینی ژاپن برخوردار است که برخی از محققان از «عصر پسا آئومی»^۳ سخن گفته‌اند؛ عصری که بر «جابجایی پارادایم»^۴ در ادراک عمومی نسبت به رابطه میان دین، دولت و جامعه دلالت دارد و حاکی از «اجماع عمومی» درباره این واقعیت است که گویی پارادایم پیشین، که به دوره مابین پایان جنگ

۱. Inoue, *Religion, Globalization and Culture*, p.467.

۲. Ibid, p.467.

۳. Post-Aum Era

۴. Paradigm Shift

جهانی دوم تا سال ۱۹۹۵ بازمی‌گردد، توسط پارادایمی دیگر جایگزین شده است. در نظر ریدر، فهم این جابجایی پارادایم، در وهله نخست، مستلزم توجه به عوامل برسازندهٔ اجماع دورهٔ ماقبل آنوم، یعنی شرایط پیشین ژاپن است.^۱

ایزاک گانگ انسان‌شناس دین ژاپنی، در مطالعه‌ای مردم‌شناسانه دربارهٔ جنبش نوپدید دینی ژاپنی کاگامیکیو^۲ با هدف ارزیابی به‌هم‌پیوستگی فرآیندهای جهانی شدن با شکل‌گیری ادیان نوپدید معاصر در ژاپن و با سکولارشدن جامعهٔ ژاپن در دورهٔ پس‌آنومی، اظهار می‌دارد که این جنبش در مواجهه با چالش‌های کنونی جامعهٔ ژاپنی، یک استراتژی جهانی را در پیش گرفته است.^۳ کاگامیکیو که در دههٔ ۱۹۷۰ با جدایی از فرقهٔ قدیمی‌تر کلیسای مسیح‌باووری جهانی^۴ ظهور یافت، در چشم‌انداز جهانی توفیق زیادی به دست آورده، از جمله آن‌که شعب زیادی را در ژاپن تاسیس کرده تا منابع اقتصادی و پرسنلی‌اش را حفظ کند، در شعائر و مناسک دینی اصلاحاتی انجام داده تا برای اعضای جوان‌تر گروه جذاب‌تر باشند، و دست به عضوگیری از افراد ژاپنی و غیر ژاپنی در حوزهٔ عمومی زده است؛ در عین حال تمرکز زیادی را بر معطوف جذب مخاطبان جهانی نموده است و شعبه‌های کوچک آن هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله آمریکا، نپال، سریلانکا، فیلیپین و برزیل، فعالیت دارند.^۵

گانگ، با ذکر این نکته که «امر سکولار»^۶ و سکولاریزه شدن منحصر به جوامع غربی نیست و باید در پس‌زمینهٔ فرآیندهای جهانی شدن دین و تحولات اجتماعی فهم شود، بیان می‌کند که مطالعهٔ موردی فرآیند جهانی شدن جنبش کاگامیکیو آشکار می‌سازد که چگونه

۱. Reader, Ian, "Consensus Shattered Japanese Paradigm Shift and Moral Panic in the Post-Aum Era", *New Religious Movements in the Twenty-First Century: Legal Political and Social Challenges in Global Perspective*, Phillip Charles Lucas (ed.) and Thomas Robbins (ed.), Taylor & Francis e-Library, 2004, p.156.

۲. Kagamikyō

۳. Gagné, Isaac, "Religious Globalization and Reflexive Secularization in a Japanese New Religion", *Japan Review* 30 Special Issue, 2017, 153–177, p.159.

۴. Church of World Messianity (Sekai Kyūseikyō)

۵. Ibid, pp.160- 161.

۶. the secular

جهانی شدن دینی می‌تواند حاملی^۱ برای رشد جهانی^۲ و تحول نهادی خودآگاهی^۳ باشد.^۴ گاگن معتقد است که جنبش کagamیکو، در عوض گرفتار شدن در ستیزه‌ها و مناقشات معمول مابین «هویت دینی» با «شهروندی دینی / نژادی»، که پیامد تأثیرات جهانی شدن فزاینده بر گروه‌های دینی است، «استراتژی در آغوش کشیدن توامان گفتمان‌ها و اعمال دینی و سکولار از اقصی نقاط جهان را، در فرایندی از مبدل شدن به یک فرا-دین جهانی^۵ دنبال کرده است». در واقع این جنبش، در عوض آنکه خود را هم چون اقلیتی کوچک که در فضای رقابتی جهانی شدن برای کسب اقتدار دینی اسیر شده است قلمداد کند، خود را متصل به جنبشی بزرگ‌تر، یعنی فرایند جهانی شدن می‌داند که به اعضایش این احساس را می‌دهد که «بخشی از یک کلیت بزرگتر از خود» هستند.^۶ به گفته وی، اکنون بسیاری از جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی که به علت قراردادن در «جهان جهانی شده»^۷ لاجرم با مضامین امر دینی و امر سکولار مواجه شده‌اند، به جای آنکه خود را در دسته‌بندی دوگانه دینی/سکولار قرار دهند، خود را معرف وضعیت فراتر از این دوگانه متعارف می‌دانند و به عنوان «سازمان‌های فرا-دینی»^۸ معرفی می‌کنند. این ادعای به ظاهر بی‌سابقه جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی، در نظر گاگن، به جهت پذیرش توامان اقتضائات امور دینی و امور سکولار، مانع از بروز هرگونه تنش میان این سازمان‌ها با نهادهای کاملاً دینی یا کاملاً سکولار می‌گردد.^۹

می‌توان گفت که جنبش‌های نوپدید دینی کنونی در کشور ژاپن، در بستر دگرگونی‌های ناشی از جهانی شدن، به‌مثابه پدیده‌ای جهان‌محلی به سمت ملاحظه توامان ضرورت-

۱. vector

۲. global growth

۳. self-conscious institutional change

۴. Ibid, p.154.

۵. global super-religion

۶. Ibid, p.171.

۷. globalized world

۸. Super-Religious Organizations

۹. Ibid, pp.170-171.

های ملی و جهانی سوق داده شده‌اند و علاوه بر تأثیرپذیری از جهانی‌شدن در بسط خود این فرایند نیز نقش داشته‌اند. در چنین تحولی، این جنبش‌ها در مسیر پذیرش هر دو گروه ارزش‌های دینی و ارزش‌های سکولار نیز پیش رفته‌اند تا بتوانند هم در جامعه ژاپن و هم در سطوح جهانی مؤثر واقع شوند.

نتیجه

مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی و رویکردهایشان در جهان امروز، بدون در نظر گرفتن چشم‌انداز جهانی ناظر به تأثیرات و تأثرات فرایند جهانی‌شدن، اساساً نمی‌تواند گویای حقیقت تام و تمام این جنبش‌ها باشد. جنبش‌های نوپدید دینی، چه در هم‌سویی با جهانی‌شدن و چه در مخالفت با آن، لاجرم برخی از اقتضائات آنرا می‌پذیرند و تمایل می‌یابند که با گسترش پیروان و آموزه‌های خود فراتر از مرزهای فرهنگی جغرافیایی موطن خویش (که خواه‌ناخواه توأم با دگرگونی آموزه‌هایشان در فضای تعاملات جهانی با دیگر ادیان و جنبش‌ها نیز هست)، به ادیانی جهانی بدل شوند. با توجه به سست شدن هویت‌های ملی، بسیاری از این جنبش‌ها با جست‌وجوی نوعی هویت فراملی به مدد ابزارهای جهانی‌شدن، تا اندازه‌ای در صدد بازسازی هویت‌های ملی نیز هستند. دور از انتظار نیست که در آن دسته از جنبش‌های نوپدید دینی که توفیق چندانی در جذب پیروان جدید در خارج از مرزهای بومی نداشته باشند، احیای هویت ملی اهمیت بیشتری بیابد.

با توجه به هم‌زمانی ظهور جنبش‌های نوپدید دینی در ژاپن، وقوع انقلاب فناوری اطلاعات در اواخر قرن بیستم، قرارگیری این جنبش‌ها در معرض دادوستدهای اطلاعاتی در جهان جهانی‌شده، و نیز به علت تجارب پیچیده ژاپن در اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم، این جنبش‌ها از سوئی دلمشغول مسأله هویت ملی/بومی ژاپنی و از سوی دیگر جویای کسب هویت جهانی‌اند. بالطبع سنخ‌شناسی آن‌ها می‌تواند روشنگر ابعاد متکثر آن‌ها، نه صرفاً به جهت نیازهای درون‌مرزی، بلکه به‌علاوه اقتضائات برون‌مرزی و نقش‌آفرینی آن‌ها در عرصه جهانی و هم‌راستایی‌شان با فرایند جهانی‌شدن باشد.

هرگونه بحث درباره جنبش‌های نوپدید ژاپنی نمی‌تواند بدون توجه به تجربه تلخ فعالیت‌های جنبش آئوم شینریکیو صورت گیرد. ارزیابی دقیق نحوه ایفای نقش و

تأثیرگذاری جنبش آئوم بر جامعه ژاپن، تنها از رهگذر توجه به روی آورد و مواضع دوگانه و متعارض‌اش در قبال جهانی‌شدن میسر است؛ یعنی از یک سو در پیش گرفتن رویکردی ستیزه‌گرانه در قبال جهانی‌شدن (با تلقی از آن به مثابه توطئه‌ای آمریکائی با عواقبی ناگوار برای ژاپن)، و از سوی دیگر بهره‌گرفتن از امکانات برآمده از جهانی‌شدن به منظور پیشبرد فعالیت‌ها، جذب نیرو در خارج از کشور، و حتی نحوه مبارزه و صورت دادن عملیات تروریستی.

برخی از جنبش‌های نوپدید دینی ژاپنی در دوره پساآئومی، علی‌رغم مواجهه با چالش‌های ناشی از نگاه تردیدآمیز جامعه ژاپن به چنین جنبش‌هایی، رویکردهای نوآورانه‌ای نیز داشته‌اند. برای مثال، جنبشی چون کاگامیکیو به مدد تطبیق با الگوهای جهانی‌شدن به فراتر از مرزهای ژاپن راه برده است، هم‌زمان اقتضائات جامعه ژاپن در دوران جدید را مدنظر داشته است، و با پذیرش توامان ارزش‌های دینی و ارزش‌های سکولار (به اصطلاح، با مبدل‌شدن به نوعی فرا-دین)، هم در خود ژاپن و هم در سطح فرامرزی توفیق نسبتاً زیادی به دست آورده است. رویکرد جنبش‌های نوپدید دینی در عصر پساآئومی، مؤید همراهی‌شان با جریان جهانی‌شدن، با هدف نقش‌آفرینی مؤثر و پایدار، هم بر جامعه ژاپن و هم در سطوح فراملی و جهانی است.

منابع

- رایشاوتر، ادوین اولدفادر، ژاپن در گذشته و حال، ترجمه محمود مصاحب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش.
- ریتزر، جرج، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۲ش.
- ریتزر، جرج، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۳ش.
- فورشت، اینگر و ریستاد، پل، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین: چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر، ترجمه مجید جعفریان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ش.
- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ظهور جامعه شبکه‌ای (جلد ۱)، ترجمه

- احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش.
- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. قدرت هویت (جلد ۲)، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش.
 - لیدمن، سون اریک، در سایه‌ی آینده: تاریخ اندیشه‌ی مدرنیته، ترجمه سعید مقدم، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۷ش.
 - ویلسن، بریان و کرسول، جمی، جنبش‌های دینی جدید، چالش و واکنش، ترجمه موسی اکرمی، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳ش.
 - یوسا، میچیکو، دینهای ژاپنی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴ش.
 - Arweck, Elisabeth, "Globalization and New Religious Movements", *Religion, Globalization and Culture*, Peter Beyer (ed.) and Lori Beaman (ed.), Lieden, Koninklijke Brill NV, 2007.
 - Clarke, Peter B., *New Religions in Global Perspective: A study of religious change in the modern world*, Taylor & Francis e-Library, 2006 (Master e-book ISBN 0-203-50833-5).
 - Dessi, Ugo, *Japanese religions and globalization*, Abingdon, Routledge, Taylor & Francis Group, 2013.
 - Dillon, Michele, "New Religious Movements", *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Bryan S. Turner (ed.), New York, Cambridge University Press, 2006, P. 416.
 - Gagné, Isaac, "Religious Globalization and Reflexive Secularization in a Japanese New Religion", *Japan Review* 30 Special Issue, 2017, 153–177.
 - Inoue, Nobutaka, "Globalization and Religion: The Cases of Japan and Korea", *Religion, Globalization and Culture*, Peter Beyer (ed.) and Lori Beaman (ed.), Lieden, Koninklijke Brill NV, 2007.
 - Inoue, Nobutaka, "The Influence of Globalization on Japanese Religion: Dissolving Boundaries of Religious Culture", *Journal of Religion in Japan* 3, 2014, 97–120.
 - Klenk, Moritz, "New Religious Movements in Global Perspective: A Systems Theoretical Approach", *Zeitschrift für junge Religionswissenschaft*, 7, 2012, 1-17.
 - Reader, Ian, "Consensus Shattered Japanese Paradigm Shift and Moral Panic in the Post-Aum Era", *New Religious Movements in the Twenty-First Century: Legal Political and Social Challenges in Global Perspective*, Phillip Charles Lucas (ed.) and Thomas Robbins (ed.), Taylor & Francis e-Library, 2004 (Master e-book ISBN 0-203-50832-7).
 - Warburg, Margit & Christensen, Dorthe Refslund & Geertz, Armin W, "New Religions and Globalization: An Introduction", *New Religions and Globalization: Empirical, Theoretical and Methodological Perspectives*, Armin Geertz (ed.) and Margit Warburg (ed.), Aarhus: Aarhus University Press, 2008.
 - Watanabe, Manabu, "Aum Shinrikyō", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (ed.), Tomson Gale, 2005, vol. 2, 2nd edition.
 - Wessinger, Catherine, "New Religious Movements: An Overview",

Encyclopedia of Religion, Lindsay Jones (ed.), Tomson Gale, 2005, 2nd edition, vol.10.